

ماکس وبر

بنیان‌های عقلانی و اجتماعی موسیقی

مترجم

حسن خیاطی



۱۳۹۵

سرشناسه	ویر، ماکس، ۱۸۶۴ - ۱۹۲۰ م.
عنوان و نام پدیدآور	پنجاهانهای عقلانی و اجتماعی موسیقی / ویر، ماکس
مشخصات نشر	تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	چهاروشش، [۱۳۱] ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۱۲۱-۹۸۷-۰
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	عنوان اصلی: Rationalen und Soziologischen Grundlagen der Musik, 1958.
یادداشت	کتاب حاضر از روی ترجمه انگلیسی آن تحت عنوان «The Rational and Social Foundations of Music» به فارسی برگردانده شده است.
موضوع	موسیقی -- فلسفه و زیبایی شناسی -- تاریخ
موضوع	موسیقی -- جنبه های اجتماعی -- تاریخ
موضوع	موسیقی -- نظریه -- تاریخ
شناسه افزوده	خیاطی، حسن، مترجم
اسم افزوده	شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
رده بندی کنگره	۱۳۹۵ پ ۲ و ۳۸۰ ML
رده بندی دیویی	۷۸۱
شماره کتابشناسی ملی	۴۱۹۵۶۵۸

پایان های عقلانی و اجتماعی موسیقی

نویسنده: ماکس ویر

مترجم: حسن خیاطی

چاپ اول: ۱۳۳۵

شمارگان: ۱۰۰۰

حروفچینی و آماده سازی: انتشارات علمی و فرهنگی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه

حق چاپ محفوظ است.

انتشارات
علمی و فرهنگی



اداره مرکزی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان، پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷ - ۱۵۸۷۵؛ تلفن اداره مرکزی: ۸۸۷۳۵۶۹ - ۸۸۷۳۵۶۹؛ فکس: ۸۸۷۴۵۷۲؛ تلفن مرکز پخش: ۲۹ - ۸۸۶۶۵۷۲۸؛ تلفکس: ۴۵ - ۸۸۶۷۷۵۴۴
www.elmifarahangi.ir info@elmifarahangi.ir
 آدرس اینترنتی:

www.ketabgostar.co.com info@ketabgostar.co.com

فروشگاه یک: خیابان انقلاب، رویه روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۱۶ - ۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۶۶۴۰۰۷۸۶
 فروشگاه دو: میدان هفت تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛ تلفن: ۷ - ۸۸۳۴۳۸۰۶

فروشگاه سه: بزرگراه شهید حقانی، بعد از ایستگاه مترو حقانی، خروجی کتابخانه ملی، کتابخانه ملی (نمایشگاه و فروشگاه دائمی کتاب)

فروشگاه چهار: خیابان کارگر شمالی، رویه روی پارک لاله، نبش کوچه ستاره، نمایشگاه و فروشگاه محصولات فرهنگی سازمان تأمین اجتماعی، پلاک ۱

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	نه
مقدمه.....	یازده
جامعه‌شناسی موسیقی و آکس بربر.....	یازده
ایده‌های اصلی جامعه‌شناسی بربر.....	سیزده
کنش اجتماعی عقلانی در ساختار اجتماعی و شیوه توسعه غربی ...	هفده
عقلانیت در هنر.....	بیست
نسبت هارمونی با ملودی.....	بیست و دو
نسبت نظام‌های پیشادیاونیک با نظام‌های گام غربی.....	بیست و هفت
جادوگران، اساتید چیره‌دست و عقلانی کردن موسیقی.....	سی و دو
رابطه چندصدایی و پلی‌سونوریت با عقلانی کردن موسیقایی ..	سی و هفت
سازها و عقلانی کردن تن‌های غیرهارمونیک با برابر کردن و تعدیل.....	چهل و دو
خلاصه.....	چهل و پنج

فصل اول: تأثیر هارمونی و ملودی بر عقلانی شدن موسیقی.....	۱
اصول بنیادین نظام آکورد هارمونیک.....	۱
خواص غیرعقلانی آکورد هفتم نمایان.....	۴
تأثیر ملودی در پیشرفت‌های آکوردی.....	۵

فصل دوم: نظام‌های پیشادیا تونیک و گام غربی به مثابه بنیان‌هایی

- ۹..... برای عقلانی شدن موسیقی
- ۹..... گام دو ماژور
- ۱۰..... عقلانی کردن بر حسب عدد صحیح هفت یا اعداد اول بالاتر
- ۱۱..... عقلانی کردن بر حسب اعداد دو و سه
- ۱۳..... کیفیت پنتاتونیک
- ۱۴..... پنتاتونیزم و مسئله نیم‌پرده
- ۱۵..... کاربرد فاصله سوم در موسیقی بدوی
- ۱۶..... فاصله چهارم به مثابه بنیان پنتاتونیزم
- ۱۹..... سکیل گام بر مبنای فاصله‌های ملودیک
- ۲۳..... تأثیر اصلاحات موسیقی و سازها بر شکل‌بندی‌های گام

فصل سوم: تنالیت و معادل‌های آن در ملودی باستان

- ۲۹..... تعدیل فاصله سی گام برای انتقال ملودی
- ۳۰..... نظریه تنالیت هلمتز
- ۳۱..... معادل‌های اولیه تنالیت
- ۳۲..... تأثیرات زبان روی ملودی باستان
- ۳۳..... تأثیر عوامل جادویی و مقدس در گستره‌های ملودی بدوی
- ۳۴..... گستره افزایش یافته موسیقی فولک یرمذبی
- ۳۶..... تفکیک زنجیره‌های تنی از تدوین‌های جویبی باستان
- ۳۸..... عقلانی شدن و بیانگری و حرفه‌ای شدن موسیقی
- ۴۰..... معادل‌های باستانی تنالیت مدرن

فصل چهارم: عقلانی کردن گام بر حسب فاصله‌های پنج و چهارم،

- بنیادهای تنالیت مدرن
- ۴۷..... نقش چهارم‌ها و پنجم‌ها در انتقال‌های ملودیک
- ۴۹..... منشأ کلیدها در عقلانی کردن تدوین ملودیک
- ۵۱..... توسعه‌های مشابه در سیستم‌های موسیقایی دیگر
- ۵۳..... نقش سلمیزاسیون در توسعه موسیقی غربی
- ۵۵..... ظهور تونیک، نمایان و زیرنمایان گام دو ماژور

فصل پنجم: تکامل چندصدایی در غرب..... ۶۱

معنا و اشکال چندصدایی..... ۶۱

پلی سونوریت..... ۶۱

پلی فونی کنترپوان..... ۶۳

موسیقی هارمونیک - هوموفونیک..... ۷۰

نت نویسی موسیقی، پیش شرط توسعه موسیقی هارمونیک - هوموفونیک..... ۷۶

فصل ششم: عقلانی کردن سیستم تنی و تعدیل..... ۸۳

توسعه غربی در مسیر دیاتونیزم دقیق..... ۸۳

واکنش به دیاتونیزم ناب..... ۸۴

عقلانیت کجاست؟ کمک برابر سازی دلخواهی تن ها..... ۸۷

عقلانی کردن به شیوه ای درونی در سیستم تنی: تعدیل..... ۹۰

ویژگی های خاص تعدیل غربی..... ۹۴

فصل هفتم: تعاملات فرهنگی، اجتماعی و اجتماعی در موسیقی مدرن و سازهای آن..... ۹۷

ریشه سازهای زهی..... ۹۷

تکامل سازهای زهی تحت تأثیر باردها..... ۹۹

سازندگان بزرگ ساز و ارکستر مدرن..... ۱۰۰

رتبه بندی اجتماعی سازها..... ۱۰۳

سازهای شستی دار: ارگ..... ۱۰۴

تغییر مذهبی و دگرگونی کارکرد ارگ..... ۱۰۷

پیانو..... ۱۰۸

رهایی پیانو و حضور آن در مقام ساز طبقات میانه..... ۱۱۰

یادداشت ها..... ۱۱۵

ضمیمه: نظام موسیقی یونان باستان..... ۱۳۱

پیشگفتار

نسل‌های قدیمی‌ترین تصور کلیشه‌ای را داشتند که موسیقی فعالیتی معنوی است. اگر در عرصه نگاه ما همیشه بین امر مقدس و امر دنیوی، امر معنوی و امر مادی، تقابل وجودی است باشد، این نوع نگاه به موسیقی نیز نگاهی درخور خواهد بود، زیرا در نگاه ما، موسیقی (و دیگر هنرها) شور و هیجانی است که نمی‌توان برای آن هدف‌های عملی قائل شد و دانشی است که از بیرون بر آن محدودیتی تحمیل نمی‌شود. جای تعجب نیست که به هنر که می‌رسیم، اغلب حس می‌کنیم در قلمرو مادی ناب و فعالیتی خودانگیخته و قواعدی خودبنیاد قرار داریم که دیده و پیمایش آن را به شکل ابراز وجودی شاعرانه نشان می‌دهند.

در همان جامعه‌ای که موسیقی خلق و مایه لذت انسان می‌شود، راهبردهای بسیار متنوع و الگومند زندگی اجتماعی در درون رسوم و قراردادهای سر بر می‌آورند که یا در قالب نهادها تبلور می‌یابند و یا در قالب مذهب و هوس‌ها محو می‌شوند.

اخلاق‌گرایان و سیاستمداران، انسان‌گرایان و نوکیشان دینی قلمروهای زندگی روزمره و امر هنری را با یکدیگر مرتبط می‌دانند؛ اخلاق‌گرایان آن را تقبیح می‌کنند؛ سیاستمداران از این رابطه بهره می‌برند؛ انسان‌گرایان این رابطه را تصدیق می‌کنند؛ نوکیشان دینی از تصدیق و یا انکار آن شانه خالی

می‌کنند. چنین نگرش‌هایی حتی در کلام حامی و یا منتقد اجتماعی دوباره سر بر می‌آورد.

جامعه‌شناسی امروزی موسیقی، شکل نظام‌مند و معاصر پژوهش درباره رابطه بین موسیقی و جامعه است. مطالعهٔ ماکس وبر^۱، یکی از برجسته‌ترین جامعه‌شناسان قرن بیستم، دربارهٔ بنیان‌های عقلانی و اجتماعی موسیقی، پژوهشی پیشرو در گسترهٔ این دانش جدید است. هرچند این مقالهٔ وبر در ربع اول قرن بیستم نگاشته شده است (چاپ اول آن در سال ۱۹۲۱ نشر یافته است)، اما روز به روز به ماکس وبر و جامعه‌شناسی موسیقی توجه بیشتری می‌شود. در دانشگاه جردن، ایندیاناپولیس، ایندیانا، در تاریخ ۲۸ آوریل ۱۹۵۶، یوهانس ریدل^۲ خواسته شد تا در بخشی از مجلهٔ جامعهٔ موزیکالری آمریکا، مقاله‌ای در باب جامعه‌شناسی موسیقی وبر بنگارد. ما همین موضوع را یکی از ادلهٔ بی‌شماری به حساب می‌آوریم که نشان می‌دهد مقالهٔ وبر باید دست‌ها پیش از این ترجمه می‌شد.

دان مارتیندال

گرتروود نوورث

یوهانس ریدل

اکتبر، ۱۹۵۷

1. Max Weber

2. Johannes Riedel

مقدمه

جامعه‌شناسی موسیقی ماکس وبر

مطالعه روابط متقابل جامعه و موسیقی را نه باید با بی‌دقتی انجام داد و نه پاسخ‌های ساده‌ای پیش از پرسش‌ها قرار داد. از آنجا که الگوهای خلق و درک موسیقی، ضمن ثبات جامعه‌شناسی، تغییر کند و جوامع کاملاً متفاوت ممکن است به موسیقی مشابهی توجه و علاقه بورزند، نمی‌توان رابطه علی یکطرفه‌ای بین جامعه و موسیقی برقرار کرد. باید ایده‌های مبتدلی همچون این ایده نازی‌ها که فقط موسیقی آریایی خفیه است یا این ایده کمونیست‌ها که موسیقی غربی موسیقی طبقه منحل و پرژده است را طرد کرد. جامعه‌شناسی موسیقی نمی‌تواند چنین معنایی داشته باشد. اگر چنین باشد، باید آن را بی‌درنگ کنار گذاشت.

به هر حال، همه چیز حاکی از آن است که پیوندهای نزدیکی بین عناصر متنوع اجتماعی و موسیقی وجود دارد. موسیقیدان، مانند هر کس دیگری، عضوی از جامعه است. نیاز او برای امرار معاش با نقش هنری او گره خورده است. اگر امرار معاش او از هنرش مستقل باشد، موسیقی برای او وسیله تفریح و پر کردن اوقات فراغت است. شیوه‌ای که او استعدادهای خویش را بال و پر می‌دهد با شیوه کسی که با هنرش درآمد کسب می‌کند فرق خواهد داشت. موسیقیدان به مخاطب نیاز دارد. آفریده او با تقاضا و یا کمبود تقاضا

برای هنر او درآمیخته است. موسیقیدان در عرضه هنر خویش از ابزاری متناسب با سطح فناوری در تمدنش بهره می‌برد. شاید کسانی مخاطب بهترین اجراهای او باشند که، بیش از اینکه به دلایل زیبایی‌شناختی خاصی توجه داشته باشند، صرفاً متعلق به پایگاه‌های اجتماعی خاصی هستند. این گونه اجراها محملی است برای نمایش گروه‌های برتر جامعه، تا از این طریق یکدیگر را در قامت لباس‌های خردار، جواهرات و لباس‌های شایسته ببینند و دیده شوند. هنرمند ممکن است کارگزاری آزاد باشد که متاع خود را در ربابتی آزاد با دیگران خلق می‌کند یا اینکه می‌تواند متنعّم و محترم، همچون سگ شمالوبی که موهایش را شانه و مرتب کرده‌اند، از خاندانی آراسته باشد. به هر حال، در یافته‌ایم که این گونه عوامل می‌تواند در خلق و مصرف موسیقی مشهور را با مایه دلسردی باشد.

بدین ترتیب همه ما با گونه‌ای از جامعه‌شناسی عامیانه آشنا هستیم. ما می‌دانیم که هنرها، زیبا عموماً از آن مردم فرهیخته است و هنر عامیانه از آن کسانی است که بزرگ‌های مردم فرهیخته را ندارند. می‌دانیم که عامل‌های منزلتی در تفسیر سبک‌های هنری اثرگذار هستند. همچنین می‌دانیم که اجراهای هنری نیز بر روی فراموسیقایی دارند. جامعه‌شناسی موسیقی چنین مشاهدات آشنایی را نقض عزمیت خود قرار می‌دهد. جامعه‌شناسی موسیقی مرزهای بین جامعه‌شناسی و موزیکولوژی را برای تبیین روابط جامعه و موسیقی با مشاهده مشترک می‌کاود.

جستار پیشگامانه ماکس وبر (۱۸۶۴-۱۹۲۰)، *عقلانیت و اجتماعات موسیقی* [۱]، هم برای جامعه‌شناسان و هم معیشت‌انان جالب خواهد بود، زیرا از سطح جامعه‌شناسی عامیانه موسیقی فراتر می‌رود و به مسائل بنیادی می‌پردازد. وبر تلاش می‌کند تا تأثیر عامل‌های اجتماعی را در هسته بسیار خلاقانه و بنیان فنی موسیقی بررسی کند. برنهاد وبر، در وسیع‌ترین معنا، این بود که موسیقی غربی ویژگی‌های عقلانی خاصی دارد که عوامل اجتماعی، در روند توسعه غربی، آن‌ها را ایجاد کرده‌اند. درست یا غلط، برنهاد وبر عمیق‌ترین سطوح موسیقی نظری را با این موضوع مرتبط می‌داند. به کمک این برنهاد، می‌توان نیاز متقابل علوم جامعه‌شناختی و موزیکولوژی به یکدیگر را نیز ارزیابی کرد.

ماکس وبر، از برجسته‌ترین جامعه‌شناسان دوران جدید، در میان عالمان علوم اجتماعی از آوازه‌ای جهانی برخوردار است، اما در بین متفکران موسیقی شهرت بسیار کمتری دارد. به همین دلیل، مرور جنبه‌هایی از اندیشه او که با جامعه‌شناسی موسیقی وی مرتبط است برای برخی از خوانندگان مفید خواهد بود.

۱. جهان اصلی جامعه‌شناسی وبر

ماکس وبر در برلین در خانواده‌ای از طبقه متوسط رو به بالا متولد شد. پدرش شخصیت برجسته‌ای در حزب لیبرال ملی در دوره بیسمارک بود که چند سال در دستگاه خدمت کرد. وبر در آغاز به تحصیل حقوق که حرفه پدرش بود، پرداخت. او در این منصب دانشگاهی او استاد آزاد^۱ در دانشگاه برلین بود. در آغاز کار حرفه‌ای، منصب استادی اقتصاد را در فرایبورگ پذیرفت و بدین ترتیب جانشین اقتصاددان برجسته، کارل کنیس^۲ شد. او پس از مدت اندکی دچار آشفتگی روانی شد که برای او بازنشستگی از زندگی دانشگاهی را در پی داشت. پس از بخش بزرگی از زندگی شغلی پربار خود را در مقام محقق مستقل در هایدلبرگ گذراند. در طی جنگ جهانی اول، وبر منصبی را در دانشگاه وین پذیرفت و پس از آن در سال ۱۹۱۹، کرسی اقتصاد در دانشگاه مونیخ را قبول کرد. طی این دوران، او عضو فعال هیئت جامعه ملل بود. او در اثر ابتلا به ذات‌الریه در سال ۱۹۲۰ در اوج فعالیت دانشگاهی درگذشت [۲].

وبر با انتشار اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری، در قالب جهانی برجسته رخ نمود [۳]. در فضای فکری‌ای که بیشتر روشنفکران ما نسله‌ای ایجاد کرده بودند، همه سطوح زندگی، از جمله هنر، کم‌وبیش منحصر به حساب اقتصاد تبیین می‌شد. آن‌ها موضوعات سیاسی، مذهبی، اجتماعی، اخلاقی و زیبایی‌شناختی را در امتداد منافع اقتصادی می‌دانستند. وبر، در جستار دراماتیک اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری، ساده‌انگاری تفسیر منحصرأ اقتصادی از زندگی فرهنگی را تصحیح کرد. دیگر سطوح زندگی، خودمختاری نسبی با تأثیرات خاص خود را دارند. او این بر نهاد را که دین

1. privatdozent

2. Karl Knies

ضرورتاً و یا تنها افیون توده‌هاست به طور تلویحی رد کرد. وبر [در این باره] اثرات علیّ مختلفی، از تجربهٔ دینی تا اقتصاد، را بررسی کرد. او نگرش‌های محوری و اشکال مشخص سلوک رفتاری را که در حلقه‌های فرقه‌های پروتستان شکل گرفته بود به مثابهٔ منشأ بسیاری از ویژگی‌های متمایز سرمایه‌داری غربی بررسی کرد.

این جستار به یکی از پر دامنه‌ترین بحث‌های دوران مدرن دامن زد. آثار وبر، از اخلاق پروتستان تا مجموعه آثار جامعه‌شناسی دین که به دلیل برگ وی ناتمام ماند، گسترهٔ شگفت‌انگیزی از علوم اجتماعی مدرن است. او خدمات بدیعی را به رشته‌های متفاوتی مانند اقتصاد، سیاست و مدیریت، جامعه‌شناسی دین، جامعه‌شناسی حقوق، جامعه‌شناسی اقتدار، رهبری و معنات عرضه کرد [۴].

وبر در بررسی هفت سطح زندگی اجتماعی، از جامعه‌شناسی اقتدار تا جامعه‌شناسی موسیقی، مفاهیم غنی و گسترده‌ای را بسط می‌داد [۵]. [از نظر وبر] بنمایهٔ مطالعات جامعه‌شناختی کنش اجتماعی است. وقتی که جامعه‌شناس نهاد گروه، اجتماع یا جامعه را بررسی می‌کند، فقط به بررسی شیوه‌هایی می‌پردازد که افراد از طریق آن با یکدیگر کنش می‌کنند، زیرا هر موضوع اجتماعی را می‌توان در رفتار بین انسانی خلاصه کرد [۶]. رفتار اجتماعی نه فقط بین انسان‌ها که معنادار نیز هست. اگر بین جماعتی که در صف تئاتر ایستاده‌اند یا میان دیگری را لگد کند، بین افراد تماسی فیزیکی روی داده است، نه کنش اجتماعی. اگر کسی عذرخواهی کند و دیگری بپذیرد، این کردار فیزیکی سرآغاز یک کردار اجتماعی موقت است. معانی کنش اجتماعی تأثیری علم بر روی کنش دارد. عالم به قاعده‌مندی‌های پدیده‌ای که بررسی می‌کند علاقه‌مند است. عالم اجتماعی، که موضوع مطالعه‌اش کنش‌های اجتماعی معنی‌دار است، به بررسی کیفیت تکرار این کنش‌ها علاقه‌مند است. وبر، با تحلیل کنش در قالب ابزار و هدف‌ها، روش‌های خاص و بنیادین تثبیت کنش‌های اجتماعی را از هم تفکیک می‌کند: از طریق کفایت عقلانی ابزار برای دستیابی به هدف‌های مطلوب؛ از طریق استقرار هدف‌ها به مثابهٔ اموری ثابت؛ از طریق فعالیتی عاطفی؛ از طریق کنش از روی عادت یا از روی سنت (اگر افراد

عادت اجتماعی مشترکی داشته باشند) [۷]. در این انواع متنوع کنش (عقلانی معطوف به هدف، عقلانی معطوف به ارزش، عاطفی و سنتی)، خواص کنش بر حسب رابطه ابزار با هدف‌ها تعیین می‌شود. در نوع اول (عقلانی معطوف به هدف)، کنش با آزادی کامل برای انتخاب هدف‌ها و با انتخاب ابزار کاملاً بر حسب کارایی آن‌ها تعیین می‌شود. کنش‌های یک دانشمند مظهر عقلانیت است. وقتی زنی خانه‌دار آزادانه از بین ارزش‌های غذایی دست به انتخاب می‌زند و یا از جایی با بالاترین کیفیت غذایی که کمترین قیمت خرید می‌کند کنشی عقلانی انجام داده است. کنش عقلانی معطوف به ارزش با هدف‌هایی هماهنگ است که کاملاً معتبر پنداشته شده است. این مثال‌های فراوانی از این دست دارد. اگر ارزش‌هایی و بی‌چون‌وچالی‌ها بشمار ستگار شدن باشد، همه سطوح دیگر زندگی همچون ابزارهایی برای دستیابی به آن تنظیم و رهبری می‌شود. کسی که ارزش‌هایی چون صداقت را مطلق می‌داند و حقیقت را فارغ از پیامدهایش بیان می‌کند کنش عقلانی معطوف به ارزش دارد. هنرمند ممکن است ایدئال زیبایی را غایتی مطلق در نظر بگیرد. شهرت، بخت و شاید حتی خانواده و سلامتی خود را فدای آن کند. کنشی که بر مبنای قوی تعیین شود عاطفی است. کنش‌های ناشی از خشم یا وحشت، بدوه یا ناله‌های نمونه‌های بارز این نوع کنش است. کنش وقتی سنتی است که به خاطر عادت و آشنایی طولانی‌مدت تعیین یافته باشد؛ (برای مثال، وقتی کسی به یک حزب رأی می‌دهد چون خانواده‌اش همیشه همین‌طور رفتار کرده‌اند. کنش‌های بی‌مار و کوچک در زندگی روزمره سنتی هستند.

سه شیوه اولیه قاعده‌مندی کنش عبارتند از: عقلانی معطوف به هدف، عقلانی معطوف به ارزش بودن، سنتی بودن. اغلب کنش‌های اجتماعی یا عاطفی به شدت ناپایدار و متغیر هستند. بیشتر جوامع زمان بسیاری را صرف کنترل کنش‌های بی‌ثبات عاطفی می‌کنند. از رفتارهای جمعی احساسی، مانند کنش‌های جماعت‌های آشوبگر، معمولاً تا حد ممکن پرهیز می‌شود.

از آنجا که جامعه‌شناسان به الگوهای تکراری رفتار توجه می‌کنند، مفهومی غنی محسوب می‌شود که الگوی مورد نظر را (بدون نیاز به ارجاع به تک‌تک کردارهای نشان‌دهنده آن) نشان دهد. از نظر وبر، وقتی از رابطه

اجتماعی سخن گفته می‌شود، منظور این است که، در برداشتی معنی‌دار و فهمیدنی، جریانی از کنش اجتماعی وجود خواهد داشت [۸]. رابطه اجتماعی آرایشی از اشخاص است که در هر نوع کنش اجتماعی حضور دارند. اگر دو نفر به طریقی با هم کنش متقابل داشته باشند که همیشه A دستور بدهد و B اجرا کند، می‌توان گفت که هرگاه A و B کنشی انجام دهند، رابطه‌ای اجتماعی مبتنی بر تفوق - تبعیت بین A و B وجود دارد. به جای ارجاع به کنش‌های متعدد خاص، با تمرکز بر الگوی مشترک، از مفهوم رابطه اجتماعی استفاده می‌شود.

ساختار اجتماعی، نظام سازمان‌یافته روابط اجتماعی است. برای مثال، دولت نظام وسیع از روابط اجتماعی بین مأموران دولتی و شهروندان است. وقتی که این روابط اجتماعی در قالب ساختارها سازماندهی شوند، به گونه بسیار خاصی تعریف می‌شوند، آنچنان که به هر فرد خاص یک سری حقوق و تعهدات معین ملحق می‌گیرد. برای مثال، شهروند دولت موظف است مالیات بدهد، در خدمت ارتش بچنگد، از کنش‌های خاصی که خیانت‌آمیز توصیف می‌شود خودداری کند. دولت حقوق خاصی دریافت می‌کند و مسئولیت‌ها و قدرت معینی شدید حتی با مجازات‌های مشخص - مانند بازخواست و از دست دادن مقام - دارد.

ثبات کنش اجتماعی، که ناشی از عادات عقلانی معطوف به هدف، عقلانی معطوف به ارزش و سنتی است، شامل رابطه ساختارهای اجتماعی نیز می‌شود. برای مثال، آزمایشگاه علمی ساختار اجتماعی باثباتی دارد که روابط در آن بیشتر از نوع عقلانی معطوف به هدف است. روابط در فرقه‌ای دینی ممکن است در نگاه اول از نوع عقلانی معطوف به ارزش باشد. خانواده ممکن است نظامی بنیادین از الگوهای سنتی را از خود به نمایش می‌گذارد.

کنش اجتماعی در زندگی زیبایی‌شناختی و جمعی بشر نیز واحد زندگی در بین انسان‌ها است. در اینجا نیز روابط اجتماعی ثبات می‌یابد و ساختارهای اجتماعی ظاهر می‌شود. زندگی موسیقایی بشر نیز می‌تواند در قالب اشکال متنوعی سازمان یابد. واضح است که زندگی موسیقایی بشر تا حدودی بر حسب همان مقولات جامعه‌شناختی‌ای قابل تحلیل است که با آن دیگر سطوح زندگی را تحلیل می‌کنند.